

مدرسه فقهی امام خمینی معرفی نامه

(علیه السلام)

تأسیس: شعبان المعظم ۱۴۳۹



■ گفتگو با مدیریت مدرسه
حجت الاسلام احمد فرحانی

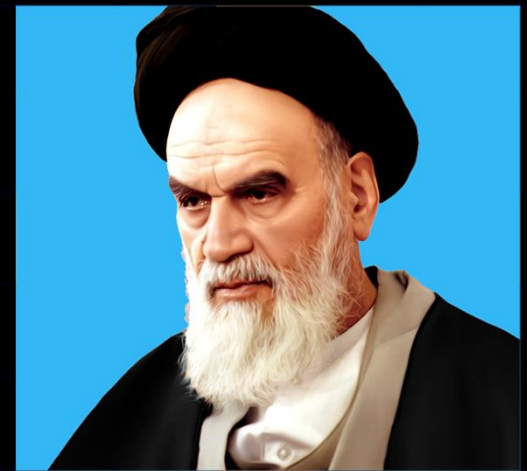
■ آسیب شناسی حوزه

■ خلاصه ای از بیانات

آیت الله عبدالکریم فرحانی (حفظه الله)

■ دوره های آموزشی مدرسه

■ ویژگی ها و مزایای آموزشی و پژوهشی



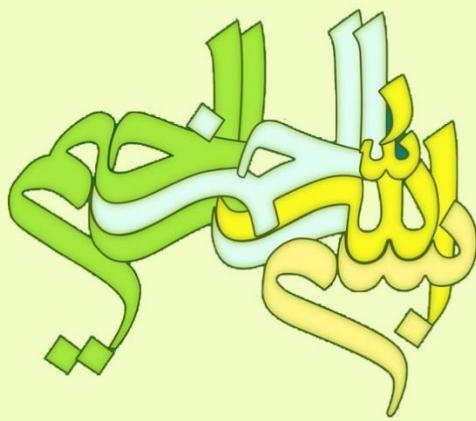
شما باید خودتان حفظ کنید اسلام را به حفظ فقاقت. با حفظ فقاقت، با حفظ این کتب، با نوشتن، با بحث کردن، با حوزه های علمی تشکیل دادن از همه علوم اسلامی، آن کتبی که منسی شده بود، آن کتب را باز به صحنه آوردن و بحث کردن و حفظ کردن این دژ محکمی که تا کنون اسلام را نگه داشته است. ما موظفیم که اسلام [را] به همان طور که به دست ما رسیده است، ما هم تحویل بدهیم به نسلهای آتیه آنها هم به نسلهای بعد و بعد، تا صاحبش بیاید و تسلیم او بکنند. ان شاء الله

صحیفه امام ج ۹ ص ۳۰۹



امام خمینی (ره) یکی از متعبدترین و پایبندترین فقها به مبانی و احادیث بودند و صد در صد از روشی که در فقاقت معمول است تبعیت می کردند. اما در عین حال در باب مسائل فقهی بسیار ن—و آوری داشتند و در همه امور از خود جوشش، پیشرفت و ابتکار نشان می دادند و این سرمایه بزرگی است که باید مورد استفاده قرار گیرد.

۱۳۷۴/۱۲/۰۷



نمایه

۲ سرآغاز

۳ آسیب شناسی حوزه

۴ دوره های آموزشی مدرسه

۶ ویژگی ها و مزایای
آموزشی و پژوهشی

۸ بیانات آیت الله عبدالکریم فرحانی

۱۲ مصاحبه با مدیریت مدرسه
حجت الاسلام احمد فرحانی

۱۷ تصاویر

مدرسه فقهی امیرالمؤمنین (ع)

تأسیس: شعبان ۱۴۳۹ - قم المقدسه

تحت اشراف آیت الله فرحانی

و بر اساس مبانی امام خمینی (ره)

در مقطع سطوح عالی و خارج

کسب اطلاعات بیشتر در سایت:

www.mafaa.ir

تلفن تماس: ۰۹۲۰۴۳۰۱۷۴۶

قم، خیابان انقلاب، کوچه ۴۶، کوچه شهیدان پورعزیزی

در عصر غیبت، همواره علمای اعلام و حوزه های علمیه رسالت نشر و تبیین معارف اهل بیت (ع) را به عهده داشته و در سایه عنایات حضرت ولی عصر (عج) به توفیقات شایانی در زعامت جهان تشیع دست یافته و بحمدالله این مسیر نورانی در قرن اخیر به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به انقلاب اسلامی و تشکیل حکومتی شیعی منجر شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و مجال احیای احکام اجتماعی اسلام، انتظارات از حوزات علمیه به عنوان مادر نظام مقدس اسلامی، شکل تازه ای به خود گرفت. پیشرفت روزافزون تکنولوژی و علوم طبیعی، معادلات حساس منطقه ای و امواج شبهات و تبلیغات گسترده علیه تشیع و حکومت اسلامی ایران، نیازمند تحول رویکرد حوزه و ورود در مباحث و ابواب مبتلابه‌ی شد که در گذشته بسیار کمتر مورد انتظار بود. به همین علت در دهه های اخیر تطبیق دستاوردهای نظام علمی حوزه بر شرایط موجود و پاسخگویی و هدایت مسیر اسلام در بعد حکومتی به یکی از اهداف اصلی مجموعه نورانی حوزه تبدیل و این سوال در محافل مختلف حوزوی مطرح گشت که مبانی اعظام ما و دستاوردها و

فروعات محققین حوزه بر اساس آن مبانی، تا چه اندازه راهگشا و پاسخگو خواهد بود. اما آن چه که در تمامی این گفتمان ها به چشم می خورد، کم توجهی و عدم عنایت به بعد علمی حضرت امام خمینی (ره) است. اگر چه دستاورد ایشان که همانا تحقق حکومتی بر مبنای مکتب تشیع است بی بدیل و بی نظیر بوده است، لکن متأسفانه در پر تو تجلی این موهبت، شخصیت علمی و مدققانه ایشان مظلوم واقع شد و قبل از اینکه نظریات ایشان در فضای حوزه تبیین و تنقیه شود، با مجموعه ای از اشکالات محتوایی و ساختاری مواجه شد. به همین علت، بسیاری از مبانی و نظریات ایشان در علوم نظری و عملی، در عین کمال بلوغ، افق کم نظیر و ثمرات راهگشایی که داشت به بوته فراموشی سپرده شد.

بر این اساس موسسه فقهی امیرالمؤمنین (ع) تحت اشراف آیت الله فرحانی با عنوان فقه الخمينی (ره) و به معنای نظام‌واره مبانی حضرت امام (ره) تأسیس شده است. هدف اصلی این مجموعه، تربیت و پرورش فقیهانه طلاب بر اساس مبانی حضرت امام خمینی (ره) و استفاده از نتایج و آثار نظرات ایشان، در حل مسائل و نیازهای نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

آشنایی آموزشی حوزه

تدقیق نمی یابد.
تکرار این گونه موارد، قهرا
موجب می شود که طلبه به
طور جدی و عمیق به دنبال
مسائل و حل آنها نرود.

آفت دیگر این است که مطالبی که در سطح
دو و سه خوانده می شود، غیر مرتبط و ناهمگون
باقی بمانند و از این رو، دانش پژوه پس از اتمام
کتب سطح، در بهترین حالت، مجموعه ای از
نظرات به ظاهر غیر مرتبط را دریافت کرده است.
اثر این مسئله در ورود به درس خارج
نمایان می شود. طلبه ای که می بایست در درس
خارج به تحقیق در مبانی متأخرین فن، مانند
محقق اصفهانی^(ره)، محقق نائینی^(ره)، مرحوم امام^(ره)
و... پردازد و مراحل اجتهاد را آغاز کند؛ به علت
ضعف در آموزش کتب سطح، به ناچار باید به
کتب قبلی رجوع کرده و وقت خود را به
یادگیری مبانی شیخ انصاری^(ره) و آخوند^(ره)
اختصاص دهد و یا بنادیده گرفتن آنها
زیر ساخت نظام اصولی و فقهی خود را رها کند!
در نظام آموزشی فعلی، این گسست میان
آموزه های دوره سطح و خارج مشهود است.

برای یافتن حلقه مفقوده میان مرحله سطح
و خارج باید چاره ای اندیشید.

آموزش مدرسه فقهی امیرالمومنین
در صدد حل این گونه
مسائل است.

یک نظام آموزشی، وقتی مؤثر
خواهد بود که اقتضاء فهم ها و
استعدادها را در برنامه خود
لحاظ کند. مسئله ای که در روال

فعلی حوزه، کمتر به آن توجه می شود و معمولا
طلاب نسبت به ادامه مسیر علمی خود در
رشته های مختلف، مأیوس و بی میل شده و به
پویایی مطلوب حوزه نمی رسند.

در گذشته، روال درس خارج به گونه ای بود
که اساتید برای مرور و تعمیق مباحث، وقت
جداگانه ای را اختصاص می دادند. مثلاً در
یک روز، یک جلسه را به توضیح و تبیین متن
کتاب و ساعت دوم را به تدقیق و رفع اشکال آن
مبحث می پرداختند.

شیوه دیگری نیز مرسوم بود که پس از
درس استاد، تلامذه برجسته وی، حلقه های
کوچک تدریس و مشاوره علمی داشتند. این
شاگردان مقرر، درس همان روز را برای رفع
ابهام، تکرار می کردند.

در سنوات اخیر این شیوه ها عملاً کنار گذاشته
شده است و نوعاً در درس اساتید برجسته حوزه
علمیه، به دلیل جمعیت زیاد شاگردان و یا ضیق
وقت و اشتغالات مختلف اساتید، ارتباط نزدیک
و مؤثر بین شاگرد و استاد شکل نمی گیرد. به
همین علت در بسیاری از موارد، سوالات، نکات
و حتی تحقیقاتی که ذیل درس، برای دانش پژوه
ایجاد می شود، جایگاهی برای پیگیری، تعمیق و

دوره‌های آموزشی مدرسه

تربیت علمی مدرسه،

بر سه پایه بنا شده است و

ساختار آموزشی نیز از این الگو تبعیت می‌کند.

این سه مرحله عبارتند از:

۱. کسب مهارت‌های لازم در جهت دریافت و

استخراج صحیح و دقیق از متون و منابع

۲. تمرین تحقیق به معنای بررسی و تدقیق

در جهت مطابقت و هم‌خانوادگی مفاهیم

و نظریات علمی

۳. اجتهاد و تولید تحقیقات ارزشمند

و قابل عرضه و اعتماد

با توجه به این الگو، ساختار آموزشی-پژوهشی مدرسه،

نیز متشکل از ۳ مقطع می‌باشد که شرح آن خواهد آمد:

دوره تمهید

این دوره مطابق با دوران سطح عالی حوزه

علمیه و به مدت ۴ سال می‌باشد.

در این دوره، طلبه ضمن آموزش دیدن محتوای

کتاب هر پایه، بر تقویت درک مطلب تمرکز

خواهد کرد و نحوه‌ی استخراج مبانی مولفین

کتاب‌ها را خواهد آموخت و قادر خواهد بود

آن مبانی را هندسه‌سازی کند.

برای تحقق این هدف، به مقتضای هر پایه،

سازگار ویژه‌ای تعریف شده که در قالب

کلاس‌هایی مانند توانمندسازی، مشاوره،

کارگاه‌های تمرین و تقریرنویسی

اجرا خواهد شد.

تمهید

۴ سال

درس خارج عمومی

۴ سال

خارج پژوهش محور

۲ سال

دوره درس خارج عمومی

این دوره نیز ۴ ساله می باشد و با محوریت درس خارج آیت الله فرحانی در سه باب فقه و اصول و فلسفه صورت می پذیرد. این مقطع، با هدف تحلیل و بررسی و مقایسه انظار و آراء اعظام هر فن، بنا شده است. در این دوره، دانش پژوه با نظر به پیش نیازهایی که در دوره تمهیدی بدست آورده و همچنین برنامه های آموزشی مدونی که در حاشیه درس خارج برگزار می شود، به ارائه مقالاتی حاوی نظر شخصی، خواهد رسید. همچنین از نظر محتوایی، چشم انداز علمی مدرسه یعنی تحقیق و تسلط بر مبانی و آراء امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) پیگیری می شود.

طلبه در سال آخر این دوره به تألیف رساله سطح سه یا یک رساله معتبر علمی می پردازد.

۲

۳

دوره درس خارج پژوهش محور

این مقطع، به مدت دو سال بوده و دوره ای آموزشی و پژوهی است. در این مقطع از نظر تربیت علمی طلبه قدم های اجتهاد را طی کرده و به تالیفات دست خواهد یافت. همچنین از جهت محتوایی نیز نائل آمدن به چشم انداز علمی موسسه و رسیدن به قله های نظام اندیشه امام (ره) و علامه طباطبایی (ره) هدف این مقطع خواهد بود.

طلبه در پایان این دوره به تألیف رساله سطح چهار خود یا یک رساله معتبر علمی می پردازد.

۵

په‌ره مندی از اساتید برجسته، مجرب و مسلط به مبانی، نظام و هندسه مولفین

یکی از برنامه‌های اصلی آموزشی، تدریس کتب سطح، به بهترین شیوه ممکن و مطابق با اهداف و رویکرد تحصیلی مدرسه است. تضمین این امر، وجود اساتید نخبه و مجرب است؛ اساتیدی که با سرمایه‌سال‌ها تجربه، به روش‌های مختلف تدریس مسلط هستند. لذا با توجه به آنچه که در ساختار و اهداف آموزشی مطرح شد؛ اساتید این مجموعه علاوه بر توضیح دقیق و عالمانه هر بحث، به تبیین روابط بین مباحث و سازمان علمی مولف و آثار گوناگون خواهند پرداخت.

دوره‌های توانمندسازی

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، یکی از معضلات اصلی موجود، نبود یک زمان مدون و ثابت در راستای درک بیشتر و بهتر مطالب کلاس درس است. در این باب چند حالت وجود دارد:

الف) گاهی مطالبی که در کلاس درس مطرح می‌شود، مبتنی بر مقدمات و مبانی ایست که در گذشته بحث شده ولی این مقدمات در جای خود به خوبی تفهیم نشده است. لذا محصل به علت عدم تسلط بر مبادی و مقدمات مطالب درس، استفاده شایسته را از کلاس نمی‌کند.

ب) گاهی طلبه، اگر چه به مقدمات بحث تسلط دارد، لکن به علت سنگین و سخت بودن محتوای کلاس، نیازمند وقت بیشتری در جهت رفع سوالات و ابهامات خود است.

ج) گاهی هم سوالات و دقت نظرهایی برای طلبه به وجود آمده است که نیاز به وقت جداگانه‌ای در جهت تدقیق و تفهیم مطالب و مباحث درس دارد.

مدیریت بازخورد تدریس استاد، در خود کلاس درس، مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت. لذا رسیدگی به همه نکات فوق با توجه به تفاوت فهم‌ها و استعدادها نیازمند ظرف دیگری در جهت تامین این موارد است.

لذا کلاس‌های توانمندسازی به شیوه مشاوره علمی و مبتنی بر تحقیقات و مراجعات طلاب، در تمام مسیر آموزشی این مدرسه در نظر گرفته شده است. هدف از این دوره‌ها، ارتقای فهم علمی دانش‌پژوه و همچنین رفع ابهامات باقی مانده و تدقیق در مطالب و محتوای هر بخش می‌باشد.

دوره‌های تمرین اجتهاد

جهت آموزش مبادی و اصول استنباط، کلاسهای مشاوره مقاله محور، با رویکرد تحقیقی و اجتهادی تعریف شده است. این دوره برخلاف دوره توانمندسازی، فراگیر نمی‌باشد و مخصوص طلابی است که از سطح متعارف کلاس بالاتر بوده و آمادگی این روش علمی را دارند. اگر دانش‌پژوهی دوره توانمندسازی علمی خود را به خوبی طی کند، بر اساس کیفیت کار خود در آن مقطع، در نهایت آمادگی کار علمی در دوره‌های تمرین اجتهاد را می‌یابد.



ویژگی‌ها و مزایا

پژوهشی

آموزش نگارش مقالات علمی

طلاب در ضمن تقریرها متوجه نکات جدید و حلقه‌های مفقوده‌ای در مطالب شده و طبعاً پیگیر حل مسائل جاری می‌شوند. بنابراین لازم است در هر ماه مقاله علمی جدیدی ارائه دهند. لذا مهارت‌های نگارش مقالات علمی آموزش داده می‌شود و مقالات برتر در فصلنامه تخصصی مدرسه منتشر می‌گردد.

نگارش رساله‌ی علمی

سنت رساله‌نویسی علمی در تاریخ حوزه مرسوم بوده و اساساً از این طریق، اجتهاد متجزی افراد اثبات می‌شده است. در این راستا، پژوهشگر با هدایت استاد راهنما و تایید معاونت پژوهش، موضوعی را انتخاب می‌کند و با بررسی جنبه‌های مختلف آن موضوع، نظریات بزرگان آن علم را درباره موضوع مربوطه جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌کند. در سطوح بالاتر طلبه می‌آموزد به شکل روش‌مند، نظر شخصی خود را در قالب رساله درآورد.

مدیریت گروه‌های علمی

در کنار مدرسین و اساتید مشاوره، وجود متولی دیگری برای جبران کمبودها و پشتیبانی مسیر علمی دانش‌پژوه، لازم است. لذا با تفکیک و تقسیم‌گروه‌ها، از بین شاگردان برجسته آیت‌الله‌فرحانی، مدیر گروه‌های علمی انتخاب شده تا ضمن ارتباط گسترده با اعضا، پایش سطح علمی و روحیات آنها، در جهت نیازسنجی ویاری مستمر آنها اقدام کرده و برنامه متناسب با اعضا را با توجه به اهداف مورد نظر در اختیار آنها قرار دهد.

پژوهشی

آموزش تقریرنویسی

طلاب در برنامه‌ی تدوین شده‌ی مدرسه، تقریرات دروس اصلی را به صورت منظم مکتوب می‌نمایند و برای این منظور مهارت‌های تقریرنویسی آموزش داده می‌شود. تقریرهای منظم که تاییدیه معاونت پژوهش را دریافت کنند، با ذکر نام مقرر، چاپ و منتشر می‌گردند.



خلاصه‌ای از

بیانات آیت‌الله عبدالکریم فرحانی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
وصلى الله على سيدنا
ونبينا ابي القاسم
محمد (ص) وعلى
اهل بيته الطيبين
الطاهرين
المعصومين.

موسس مدرسه فقهی امیرالمؤمنین

عضو مجلس خبرگان رهبری



همان طور که
استحضار دارید افتخار
بسیار مهم ما در حوزه
علمیه افتخار فقه نورانی
اهل بیت است و همه بر

سفره نورانی قال الصادق وقال الباقر علیهما السلام
ارتزاق میکنیم و بهره می بریم.

مرحوم آیه الله شهید مطهری در مقدمه کتاب عدل الهی،
با عنوان «خاطره خوش و جاوید»، جمله قشنگی می فرمودند
که یک بار، خودم و تحصیلاتم را ارزیابی می کردم، دیدم مومن
زیاد است، متدین زیاد است، متعبد زیاد است، ایشارگر زیاد
است؛ اما من دیدم که یک نظام فکری پیدا کرده ام.

(این نظام فکری برای ما بسیار مهم است.) شهید مطهری
می فرمودند که آن موقع، تازه با استاد الهی ام؛ یعنی حضرت
امام، آشنا شده بودم و بعضی افق های معارف اسلامی، خطب
توحیدی نهج البلاغه و ادعیه نورانی اهل بیت (ع)؛ مثل همین
مناجات عجیب شعبانیه را درک کرده بودم. مثلاً با فلسفه
اسلامی آشنا شده بودم و قاعده الواحد را - حداقل به زعم
خودم - آنطور که یک حکیم می فهمد فهمیده بودم و بسیاری از
سوالاتم نقش بر آب شده بود و تازه به یک نظام منسجم فکری
رسیده بودم که نتیجه زیارت چند استاد بزرگ یعنی مرحوم
آیه الله العظمی بروجردی رضوان الله تعالی علیه، مرحوم
حضرت امام (ره) و مرحوم علامه
طباطبایی وعده ای از اساتید
بود. ایشان درباره خودش

می گفت: وقتی ارزیابی
می کردم دیدم ممکن بود
اگر من حوزه نیایم همه
چیزم بهتر از این باشد، که
یا خودش یا مثلش را
داشته باشم؛ اما این نظام فکری را پیدا نمی کردم،
این اجتهاد جواهری را سر سفره صادقین علیهما السلام پیدا
نمی کردم. اگر امام نمی شناختم، اگر آقای بروجردی نمی شناختم،
اگر علامه طباطبایی نمی شناختم ممکن بود خیلی چیزهای
دیگر می داشتم، حتی تقوا و ایمان هم می توانستم داشته باشم.
اما این نظام فکری ای که نتیجه یک کار قوی و منسجم
علمی بر سفره روایات اهل بیت (ع) است رانمی داشتم.
برای بنده بسیار موضوعیت دارد که نظام فکری ما منسجم
شود تا بتوانیم از سفره اهل بیت (ع) ارتزاق کنیم. ارتزاق از
سفره اهل بیت و بهره مندی از سفره اهل بیت، یک نظام فکری
قوی می خواهد. خب، بزرگانی مثل شهید مطهری این نظام را
طی چند سال در حوزه بدست آوردند؟ چهل سال؟ پنجاه سال؟
یا نه، می شود یک نظام قوی و منسجم فکری را در یک دوره
قابل قبول کار علمی بدست آورد و به دفاع از دین پرداخت؟
وقتی زندگی شهید مطهری را ارزیابی می کنید می بینید ایشان
کی رفت دانشگاه تهران؟ کی کرسی تدریسش را گذاشت و
اجتهاد قوی جواهری اش را به میدان
آورد و همه از میدان بیرون رفتند.
این خیلی مهم است که -

برای بنده بسیار
موضوعیت دارد
که نظام فکری
ما منسجم بشود
تا بتوانیم از سفره
اهل بیت (ع)
ارتزاق کنیم...

اگر قرار است
حوزه انقلابی را
هم شکل بدهیم
از همین طریق
است...

انسانی در یک عرصه شروع به کار علمی منسجم کند و حالا در کنارش کار تفسیری ایشان را ببینید، فقه ایشان را با آن استدلال‌های پخته ایشان را ببینید.

یادم هست اولین مقالاتی که در دبیرستان خواندم، کتابی بود به نام «دیدگاه توحیدی». خداوند شاهد است که این کتاب سبب شد من تصمیم به طلبگی بگیرم. سال اول بعد پیروزی انقلاب بود. یک مقاله از مقام معظم رهبری در آن کتاب بود، یک مقاله از شهید بهشتی و یک مقاله از شهید مطهری. مقالات دیگری هم در آن کتاب بود، اما طراز این سه مقاله طراز دیگری بود. دیدم این آقایان اینطور قوی، پخته با تحلیل‌های فنی و بیان خوب به تحلیل نظام اسلام پرداخته‌اند. حالا سن و سال اینها در وقتی که مقالات را نوشته‌اند ببینید. اینها واقعا برنامه‌ای بود که یک نظام محکمی داشت.

یک نمونه و دو نمونه نمی‌گویم نمونه‌های بسیار قوی‌ای داریم. به یاد دارم که طلبه نبودم و بعد از پیروزی انقلاب یا در همین حدودها با این کتاب‌ها آشنا شدم. دائم نگاه می‌کردم و می‌گفتم خدایا این حوزه علمیه چه برکتیست که آدم‌ها را اینطور قوی تربیت می‌کند که با یک نظام اجتهادی استنباطی قوی می‌روند سر سفره اهل بیت (ع) اینطور استفاده می‌کنند.

در زمانی پاورقی‌های کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، چاپ می‌شد اما جلد چهارم این کتاب که مسائل حرکت و زمان است چاپ نشده بود. با خودم می‌گفتم چرا شهید مطهری این‌ها را چاپ نکرده‌اند. بعدها خدمت آیت الله جوادی رسیدیم. واقعا لطف ایشان و لطف کریمه اهل بیت (س) بود که این چهارپنج سال از ایشان خیلی از

نزدیک بهره‌مند بودیم
از نفس قدسی و

ما، فقه فقیه نظام را
فقه امام (ره) می‌دانیم
و این راهی است
به فهم فقه جواهری
وفقه الصادقین (علیها السلام)

و فرمایشات نورانی‌شان. ایشان باری در درس فرمودند که وقتی آقای مطهری می‌خواست آن کتاب را پاورقی کند، در بحث‌های حرکت و زمان و سبق و لحوق یک سری اشکال داشت. آقای طباطبایی فهمیدند که اشکال دارد، گفتند من می‌آیم و به تو مشاوره می‌دهم. بنده خودم شنیدم که آقای جوادی (حفظه الله) از زبان آقای مطهری نقل می‌کرد که علامه طباطبایی تشریف بردند تهران و موقعی که آقای مطهری بعد از کار زیادش به خانه می‌آمد، بعد از ظهرها در خدمت استاد چندین ساعت استفاده می‌کردند. آیت الله جوادی نقل می‌کرد که بعد از این مشاوره علمی، آقای مطهری گره‌های علمی بحث حرکت و زمان و سبق و لحوق را در چالش فلسفه اسلامی و فلسفه هگل حل کردند و بعد آقای مطهری به من زنگ زد که برای من درسی در مدرسه سعادت بگذار تا اینها را درس بدهم که اینها آخرین درس‌های ایشان بود که بعدش هم شهید شدند.

می‌خواهم عرض کنم خدا شاهد است وقتی آدم خوب نگاه می‌کند، می‌بیند که این بزرگان، نظام فکری را از بزرگانی مثل آیت الله بروجردی، مثل امام (ره)، مثل علامه طباطبایی با زحمت در یک دوره قابل قبول علمی که نشاط و جوانی از بین نرود بدست می‌آوردند و با همین نشاط، وارد عرصه دفاع از دین و دفاع از انقلاب اسلامی و اندیشه نورانی امام می‌شدند.

خب، این کارها، کارهای بزرگی بود که شهید بهشتی، امام حاضرمان، آقای ما، مرجع بزرگوار، حضرت آیت الله خامنه‌ای و مرحوم آقای مطهری انجام دادند. ببینید، آقای مطهری جایی حالات فضیلت را می‌گویند و بعد می‌گویند ایشان با این فضا

خدمت امام صادق آمد. این با
ساربانانی که خدمت امام (ع)
بباید فرق می‌کند.

ما هم برای استفاده از این فضا، باید کار منسجم علمی بکنیم. این کار منسجم علمی سر سفره امامین انقلاب ضرورت دارد. ما اگر بخواهیم حوزه را حوزه انقلابی کنیم راهش همین است و هیچ راه دیگری ای ندارد. یعنی کار منسجم علمی و ایجاد یک نظام علمی فکری قوی برای فهم کلام اهل بیت (ع).

[در این راستا] امام (ره)، از فلسفه کوچ کرد رفت فقه. امام در دوره ای استاد اصلی فلسفه قم بوده. بعد فقیه مبرزی شده که اصول و فقه قوی در قم و نجف با آن ابعاد ارائه می کند. لازم بود که کاری برای این مجموعه قوی علمی امام انجام بشود.

این کار را ما در خوزستان دوره ای تجربه کردیم. الحمدلله خروجی های خوبی داشت. یک دوره هم در قم تجربه اش کردیم که الحمدلله آن هم خروجی -

های خوبی داشت. افراد بسیاری از دور و نزدیک از جهت علمی تشکر می کنند و می گویند استفاده کردیم. الحمدلله ما در خدمت بسیاری از این دوستان هستیم و موثر

در این کار هستند. همین امروز یکی از دوستان مقاله ای به من داد که خیلی استفاده کردم. درباره «رساله الولایه» با توضیحات خوبی که ارائه می کرد. چند ارجاع دادم و برگرداندم که کامل تر بشود، اما خیلی خوب بود.

در حال حاضر، دیدم دوستان چندین بار مراجعه کرده و اصرار کردند [که فضای اختصاصی این کار به وجود بیاید] و گفتند که تقاضا زیاد است، ضرورت هم زیاد است. این مسائل هم موضوع تکلیفی است متوجه بنده. من هم گفتم اگر حقیقتاً اینطور است [کار را شروع می کنیم].

پس ما در ادامه مسیر، مانند گذشته، اصرار بر این داریم که در رتبه اول کتب رایج را قوی و «متن محور» به صورت کلمه به کلمه بخوانیم. دوم اینکه معتقدیم این خواندن و قوت علمی باید با سرعت قابل قبولی انجام بشود. سوم اینکه به نظر ما، خروجی اصلی کار فقه است؛ فقه اهل بیت (ع)، فقه امام صادق (ع).

اگر هم مساله «فقه الخمینی» را مطرح می کنیم به این دلیل است که ما فقیه نظام را امام می دانیم. فقهی که فقیه نظام ما دارد هم فقه امام است. ما به اعتبار فقیه نظام بودن امام و اینکه به اقتضای کار با نظام مقدس جمهوری اسلامی، باید فقیه این نظام را بشناسیم و با ابعاد فقه او آشنا بشویم و به

تعبیر ایشان، حکومت را فلسفه عملی فقه بدانیم. ما در اوج کار مشاورات علمی مان در خوزستان، به استادمان پیشنهاد کردیم که [رساله] خلل [امام خمینی (ره)] را [بحث کنیم. بعد از ورود به مطالب، گفتند مثل اینکه مقدمات زیادی دارد. بعد فرمودند بگذارید کتاب الصلاه را شروع کنیم تا برسیم به خلل.

این رساله ای که امام (ره) در آخر عمر نوشته خیلی عجیب است. در قم هم از چند سال قبل به من پیشنهاد کردند و اخیراً بحث خلل امام را شروع کردیم. بعضی از دوستان که حضور دارند، دیدند که واقعا مقدمات مساله و فهمشان دشوار است. در آخرین جلسه گفتیم که انصافاً ما مییم که به ظاهر روایت تعبد می کنیم و عمل می کنیم، یا کسی که در سند روایت کار می کند ولی در مقام دلالت [ظهور کلام را] طرح می کند؟ می گوید امام صادق (ع) درست بیان نکرده اند و [مثلاً] خلل به زیاد نداریم. حتماً باید به نقیصه باشد. در حالیکه خود روایت گفته -

اگر مساله فقه الخمینی را مطرح می کنیم، چون فقیه نظام را امام (ره) می دانیم پس باید ابعاد فقه او را بشناسیم.

برای استفاده از این فضا باید سر سفره امامین انقلاب، کار منسجم علمی کرد. این راه انقلابی کردن حوزه است.

«فاسجد سجدهتی السهل لکل زیاده و نقیصه» چکار کنیم؟ می گویند خلل به جزء مستحب امکان ندارد. آن [سجده] هم مستحب نفسی است در ظرف صلاه. در حالیکه روایت فرموده: فاسجد سجدهتی "السهو".

وقتی سراغ فهم روایت می رویم، یعنی وقتی می رویم سر سفره اهل بیت (ع)، واقعا زانو بزنیم، شاگرد امام صادق (ع) باشیم. این اصول رایج مان و عناصر مشترکه استنباط مان را طوری سامان بدهیم که روایت را بفهمیم. در حال حاضر، دوستان در درس های ما می بینند که ما تمام همتمان همین است. وقتی میگوییم آقای اصفهانی این را فرمود، آقای نایینی این را فرمود، سید یزدی این را فرمود و... ما در حقیقت آمده ایم تا روایت را بفهمیم. می بینید که خط قرمز ما این است.

در عین حال، چون فقیه نظام را امام می دانیم، پس باید فقه فقیه نظام را تحلیل کنیم و قوی یاد بگیریم. فقیه نظام ما صاحب یک مدرسه است. فقیه نظام ما صاحب مدرسه ای است که اگر این مدرسه خوب تحلیل بشود، مباحث مقدمه واجبش درست فهمیده می شود، مباحث اجتماع امر و نهی اش درست فهمیده می شود، بحث متعلق احکامش درست فهمیده می شود.

لازم نیست برای تحلیل قضایایمان دنبال فهم قضایای خارجیه راسل برویم. یا دنبال مبانی منطقی استقراء راسل برویم تا بتوانیم نظاممان را تکمیل کنیم و تحویل بدهیم. مگر ما مبانی لازم را این طرف نداریم؟ این حساسیت ماست.

پس ما با احترام به تمام بزرگانمان، فقه فقیه نظام را فقه امام راحل (ره) می دانیم و این راهی است به فقه جواهری و فقه الصادقین (ع).

عرضم این است که بنده دارم به این نتیجه می رسم که راه اصلی همان راهی است که امام رفته است. [رسیدن به] یک عده فقیه قوی آشنا به نظام فقهی اهل بیت (ع) که سر این سفره خوب بتواند خطب امیر المومنین (ع) را تحلیل کند، دعا را بفهمد، روایات توحیدی را بفهمد، انسان را بفهمد و نظام قوی فکری اش به گونه ای شود که وقتی خروجی پیدا می کند کسی مثل مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از آن بیرون بیاید که الان عالم اسلام به او افتخار می کند.

حرف ما این است و این را باید درست کنیم. اگر قرار است حوزه انقلابی را هم شکل بدهیم، انقلابی بودن به نظر ما از همین مسیر و از همین طریق است.

با رعایت قوت در فهم متن،

سرعت و دقت در فهم متن

و نظام سازی در فهم متن و تحقق

اجتهاد تمرینی. در این فهم، باید این

مدل ادامه پیدا بکند.

دوستان هم لطف کردند و به ما قول

همکاری دادند مخصوصا دوستانی که

در این سال ها ما در خدمتشان بودیم و بهره مند بودیم.

لذا با توکل بذات اقدس اله و استمداد از عنایت کریمه اهل بیت (س)

و تضرع در محضر نورانی امیر المومنین (ع) که همیشه از علوم

علوی و ولایی شان حوزه را سیراب کرده اند، این مسیر

انشاء الله [در قالب مدرسه فقهی امیر المومنین (ع)]

استمرار پیدا می کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اولین کتابی که در دبیرستان خواندم و سبب تصمیم من به طلبگی شد، کتاب دیدگاه های توحیدی بود که سه مقاله از مقام معظم رهبری و شهید بهشتی و شهید مطهری داشت.

شاکلهٔ مدرسهٔ فقهی امیرالمؤمنین علیه السلام

چکیده‌ای از

مصاحبه با حجت‌الاسلام احمد فرحانی

آسیب‌های
وضع موجود

اگر نخواهیم سیاه‌نمایی کنیم و شرایط فعلی را بغرنج جلوه بدهیم، برداشت ما این است که مجامع علمی آکادمیک موجود و رائج در دنیا با وجود رشد‌های مثبت، یک رشد منفی دارند و آن جایگزین شدن تقلید و تبلیغ صرف به جای تولید و تعمیق تحلیل‌های نوین است. افراد زیادی هستند که متخصص انتشار افکار دانشمندان یا مجتهدین هستند ولی صاحب اندیشه نیستند. این مبلغین هیچ نوآوری و تولیدی در تفسیر آن افکار ندارند. یک مجموعه علمی با هدف مشخصی شروع می‌شود ولی با حفظ آن هدف، دچار انحراف و رشد منفی می‌شوند. این واقعا یک آسیب است. این جریان در حوزه علمیه سخت‌تر می‌شود. در مجامع دیگر، اهداف کوتاه مدت وجود دارد. مثلاً فردی قصد دارد پس از چند سال فعالیت علمی، مدرک مشخصی را تحصیل کند. اگر خواست ادامه می‌دهد و اگر نه ادامه نمی‌دهد ولی دوره درسی در حوزه علمیه امروز با احتساب سطح یک و سطوح عالی و درس خارج ۱۰ یا ۱۲ ساله است. چه هدف کوتاه مدتی برای ایجاد شوق علمی و تأمین انگیزه طلبه در ادامه حرکت خود وجود دارد؟ آیا می‌توانیم در شرایط فعلی از طلبه بخواهیم

مدیریت محترم
مدرسه فقهی امیرالمؤمنین (ع)
در قالب ۷ نکته
توضیحاتی را
ارائه می‌کنند.



سابقه راه اندازی
این مجموعه علمی انسانی

مطابق با سبک رائج علمی، از تاریخچه شروع می‌کنیم. درباره سابقه‌ی راه اندازی این مدرسه باید گفت که این مجموعه، بدون داشتن یک عنوان اعتباری سالها در حال فعالیت بود. یک جریان انسانی رو به رشد و یک جامعه‌ی زنده بود و دوران طفولیتی داشت. یک استاد با اعتقادی در مسیری تفسیر و تحلیل شده از حضرت امام خمینی (ره)، یک جریان علمی را شروع کرده بود و در حال تربیت عده‌ای بر اساس این تفکر بود. این جریان از دوره‌ی طفولیت خارج شد. بخشی از آن در غیر شهر قم و در چند سال اخیر این جریان علمی متمرکز در شهر مقدس قم تحت عنایت کریمه اهل بیت (ع) فعالیت کرد و کم‌کم مایه ایجاد نسل‌ها شد. نسل‌هایی که فکر کردند، رشد کردند و این سبک از اندیشیدن را آموختند و تدریس کردند. با افزایش درخواست تلمذ و تدریس در این فکر، قاطع شدیم که این جامعه‌ی رشد کرده و پخته شده، نیاز به یک هویت، تسمیه و جایگاه اعتباری و اجتماعی هم دارد. بنابراین شد که بصورت رسمی مدرسه فقهی امیرالمؤمنین (ع)، تحت اشراف استاد معظمان آیت الله عبدالکریم فرحانی تأسیس شود.

که ۴۰ سال مداوم به درس خواندن مشغول باشد تا پس از آن به عنوان یک مجتهد از او رونمایی کنیم؟! این روش برای چند درصد از محصلین حوزه علمیه پاسخگوست؟ نقاط قوت و ضعف آن چیست؟

ما ابدانمی خواهیم تغییر در سیستم سنتی حوزه ایجاد کنیم. چرا که این سیستم، مسلک بزرگان حوزه است، مؤید و مقدس است ولی مقصود ما این است که شیوه، زمانی ایجاد خستگی و ملال نمی کند که در آن نوآوری، تولید و اجتهاد باشد. طلبه احساس کند که اگر چه از نظر اثباتی، همانند دانشگاه مدرک کوتاه مدت ندارد ولی از نظر علمی مولد فکر و اندیشه است. خود را در سلسله نسل هایی می بیند که مولد علوم هستند. نقاط منفی علوم را حذف می کند و مطالب مثبت را جایگزین می کند. این همان ثبوت واقعی است که طلبه احساس کند که در مسیر علمی خود، تمرین اجتهاد می کند و صرفاً مبلغ افکار دیگران نیست.

در اسلاف حوزه، همین نکته باعث می شد که یک طلبه تا ۳۰ سال با قوت، به مسیر ممتد علمی خود ادامه دهد. باید فضایی ساخت تا طلبه بتواند با تمرین اجتهاد، این ملکه را کسب کند.

رویکرد آموزشی و پژوهشی مدرسه فقهی امیرالمومنین

پیشنهاد ما برای حل آفت پیش گفته، امتزاج و اشراق آموزش و پژوهش در رشد طلاب است. آموزش رائج و مصطلح و پژوهش رائج و مصطلح در هیچ دوره ای، کارآمدی لازم را نداشته است. آنچه در طول تاریخ موجب پیشرفتهای علمی بشر و پویایی آن شده،

آموزش پژوهشی و پژوهش آموزشی است. یعنی متعلم حین یادگیری مطالب در حال ایجاد اتصال و ارتباط بین آن محتوا و سائر مطالب علمی باشد. بین مطالب و معلومات خود ایجاد هم خانوادگی کند و از آن ها هندسه و سازمان علمی بیافریند.

به عنوان مثال، یک طلبه علوم مختلفی در حوزه می آموزد مثل ادبیات، منطق، اصول، فقه، فلسفه، تفسیر و... هر کدام از این علوم به صورت جزیره جزیره در ذهن او وجود دارد و هر کدام از آن ها را با نمره خیلی خوبی پشت سر می گذارد ولی اگر به او بگوییم بین دو سال تحصیلی خود، یا بین دو کتاب یا دو موضوع علمی، اتصالی برقرار کند و یا به اصطلاح اصیل، ”رد الفرع الی الاصل“ کند، غالباً از عهده آن بر نمی آید.

مثلاً بین علم اصول و علم منطق چه ارتباطاتی برقرار می کند؟ آیا در اصول که از قیاس و تمثیل و استقرا استفاده می کنید از چه ماده ای بهره می برید؟ استدلالات اصولی شامل کدام یک از صناعات خمس است؟ و مسائلی از این قبیل.

ایجاد هم خانوادگی و پیوستگی بین علوم و موضوعات علم واحد از شریفترین مراحل اجتهاد است که در فضای علمی، ناموجود است. این معنای تمرین اجتهاد است.

شیوه ای که ما در مدرسه فقهی امیرالمومنین (ع) به دنبال ارائه آن هستیم، تلفیق آموزش و پژوهش است که بارها نسبت به سلايق و نسل های مختلف و در رشته های مختلف آن را آزمایش کرده ایم.

با این روش، طلبه تفسیری از رسائل مرحوم شیخ، از کفایه، از اصول فقه مرحوم مظفر، از المنطق، از بدایه المعارف و کتب دیگر حوزوی ارائه می دهد که نتایج جدیدی از آن حاصل می شود.

این همان تمرین اجتهاد است.

محورهای اصلی محتوای مدرسه فقهی امیرالمومنین^(ع)

نکته بعدی محتوایی است که ما می خواهیم در مجموعه ارائه دهیم. بدانید ما با تابلو و علامت «فقه خمینی» فعالیت خود را همانند دغدغه های اولیه این مجموعه، ادامه می دهیم. واقعیت ماجرا این است که این یک تصمیم احساسی و هیجانی نسبت به شخصیت امام راحل نیست. بلکه ما معتقدیم حضرت امام^(ره) از جهت علمی بسیار مظلوم واقع شده است. عرضه ای که از حضرت امام خمینی^(ره) شده است، همیشه سیاسی و اجرایی بود چون تقاضا سیاسی و اجرایی بود.

بازار عرضه و تقاضای حکومتی را ایجاد کرد، یک انقلاب بی نظیر را ایجاد کرد که جدیدترین و بروزترین پدیده انسانی بود، اما اقتضائات انقلاب، تقاضایی را از شخصیت امام^(ره) داشت که به حسب آن، عرضه امام^(ره) به مسائل سیاسی و اجرایی محدود شد. ما باید این عرضه را جهت دهی می کردیم ولی این امر محقق نشد.

اعتقاد ما این است که نه تنها رتبه حضرت امام^(ره)، منحصر در یک عالم فقیه، فیلسوف، اصولی، متفکر و مفسر قرآن و اسلام نیست، بلکه حضرت امام^(ره) مؤسس یک مکتب است. ما معتقدیم حضرت امام را نمی توان شارح یا تعلیقه نویس یا حاشیه فقه مکاسب دانست.

آراء اصولی ایشان را نمی توان حاشیه کفایه دید و حتی حضرت امام^(ره) را نمی توان حاشیه اسفار صدرا دید. چرا؟ چون نوع پردازش ها و اشکالات محوری و پایه ای امام به مکاسب، به کفایه و به اسفار به گونه ایست که به جز تغییر ساختار، راهی برای نجات از اشکالات نیست.

حضرت امام اعتقاد راسخ دارند که جایگاه

انسان در اسلامی که برای تکامل انسان آمده از جهت اجتماعی و حکومتی خالیست. لذا حضرت امام، کتاب بیع می نویسند ولی در اثنای آن نشان می دهند که مسئله ولایت فقیه که هزار و خرده ای سال در فروع دین و بررسی های فقهی بیان می شد اصالتاً مربوط به کلام شیعی است.

حضرت امام معتقدند که در فقه رایج، جایگاه تکامل انسان اجتماعی خالیست. حالا ممکن است عده ای گمان کنند که می توان در کنار انسان فردی، با طرح مسائل اجتماعی در فقه، آن را تکمیل کنند. خیر! حضرت امام خالی بودن فقه از انسان در مرحله اجتماع را منوط به ساختار فقه می دانند.

ایشان جمله بسیار ویژه ای در کتاب بیع خود دارند و می فرمایند:

«الاسلام هو الحکومه بشئونها و الاحکام قوانین الاسلام و هی شأن من شئونها. بل الاحکام مطلوبات بالعرض»
ولایت مطلقه حضرت امام^(ره) ساختار فقه را دگرگون می کند. آیا صاحب این نظریه، مؤسس یک مکتب فقهی نیست؟ آیا عظمت این نظریه حداقل به اندازه تأثیر شیخ اعظم در فقه نیست؟!

در علم اصول جلوگیری ایشان از خلط حقیقت و اعتبار و تصفیه اصول از مباحث فلسفی که به غلط وارد این علم شده است از مشخصه های اندیشه ایشان است. ایشان با استناد به ارتکازات عرفی فقهای بزرگ، رد پای اندیشه اصولی خود را در فقه شیعه اثبات می کنند.

این محتوا وقتی در کنار آن شیوه ممزوج شدن پژوهش و آموزش قرار گیرد، نتیجه اش اجتهاد زودبازده و مولد خواهد بود.

مسیر اجرایی و تشکیلاتی مدرسه فقهی امیرالمؤمنین

ما در مدرسه فقهی امیرالمؤمنین(ع) برای سطوح عالی و درس خارج، طلبه جذب می کنیم. در این مجموعه، روند عادی حوزه علمیه که مصوب شورای عالی حوزه علمیه است به صورت کامل و بدون نقص اجرا می شود. پذیرش طلاب با برگزاری آزمون های ورودی انجام می شود. البته اعتقاد ما این است که فقه الخمینی نخبه پرور است نه نخبه پذیر. به همین خاطر پس از جذب، با توجه به سطوح مختلف طلاب، دوره های توانمندسازی علمی برگزار می شود چرا که نیاز به تقویت و کار بیشتر در زیرساخت ها و مباحث پایه ای کتب سابق آن ها وجود دارد. دوره توانمندسازی در درس های سطح عالی مثل مکاسب، رسائل حتی فلسفه و کتب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه یا کتب سطح یک، مثل الموجز و اصول فقه با همان روش امتزاج آموزش و پژوهش برای ایجاد ارتباط بین اطلاعات علمی سابق برگزار می شود.

برای کسانی که این مراحل را طی کردند و این کیفیت علمی در آن ها ایجاد شده است، جهت تعمیق و تولید و تمرین اجتهاد، کارگاه های مشاوره برگزار می شود. این مشاورات جهت رفع اشکال نیست بلکه رو به جلوست و به معنای واقعی کلمه، تمرین اجتهاد است.

بعد از عبور از سطح عالی و آغاز درس خارج، موضوعات پیشنهادی که در پژوهشگاه مدرسه تولید شده است در اختیار طلاب قرار می گیرد تا موضوع پایان نامه سطح ۳ خود را به دلخواه انتخاب کنند و از مشاورات و راهنمایی های اساتید برای تقریر رساله خود استفاده می کند. پس از گذراندن چندسال از درس خارج و اشراف متعلم بر روش و مباحث فقهی، موضوعات

متناسب با رساله سطح ۴ نیز در اختیار طلاب قرار می گیرد. در حال حاضر در مرحله ثبت نام اولیه قرار داریم که از طریق سامانه ی ثبت نام سایت مدرسه صورت می گیرد. سایت مدرسه فقهی امیرالمؤمنین(ع) mafaa.ir می باشد.

اساتید تربیت شده در این محیط فکری

وقتی سابقه را در آغاز کلام توضیح می دادم، عرض کردم که این مجموعه به مثابه طفلی بوده که امروز رشد کرده به همین خاطر ناچاریم که ساختاری را برای آن تعریف کنیم. یکی دیگر از برکات این رشد، تربیت اساتید مجرب در طول این سالهاست. معمولاً وقتی طرح جدیدی ارائه می شود، طراحان محدودی دارد فلذا ارائه دهنده های آن نیز محدود هستند و در نتیجه آن ایده، مثل موجیست که قبل از رسیدن به ساحل در دریا فرو می رود. اما عرض کنم که در این جریان، فارغ التحصیلانی از مکتب فقه الخمینی تربیت شده اند که همه نیازهای آموزشی و پژوهشی مجموعه را تأمین می کنند. کسانی که مجتهد یا قریب به اجتهاد هستند و توان حمل این بار را دارند.

این نکته را مدنظر داشته باشید که تأکید ما بر فقه الخمینی به این معنا نیست که فقط افکار حضرت امام(ره) در مدرسه مطرح می شود. ما از اساتید متنوع و مطرح فضای حوزه علمیه استفاده می کنیم و کاملاً تابع قوانین آموزشی مصوب حوزه علمیه پیش می رویم، بنابراین اگر کسی بخواهد مسیر متعارف علمی خود را طی کند می تواند از اساتید مختلف مدرسه استفاده کند ولی در بخش پژوهشی و دوره های توانمندسازی و مشاورات بر محور افکار امام برنامه ریزی می کنیم.

امام و علامه طباطبایی دو نابغه عصر اخیر و تربیت شاگردان ممتاز

اعتقاد اینست که حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی دو نابغه و دو مولد بی نظیر عصر اخیر هستند. اگرچه تصویری که از آن‌ها به نمایش درآمده یکی در معقولات و دیگری در علوم منقول است، ولی هر دوی آن‌ها در فلسفه، فقه، اصول، تفسیر، حدیث و کلام سرآمد هستند.

این دو بزرگوار اشکالات مشترکی به سابقین خود دارند و ادعاهای مشترکی دارند که در تولیدات لاحقین آن‌ها اثرگذار بوده است. اگر خوب نگاه کنید می‌بینید هر دو «رساله ولایت» دارند. هر دو تفسیرهای قرآنی ویژه‌ای دارند، هر دو کارکرد و پردازش روایی‌شان ویژه است. هر دو اصول و فقه را به گونه دیگری تفسیر و توضیح می‌دهند. هر دو کتب فلسفی و انسان‌شناسی دارند. هر دو حاشیه بر کفایه، اصول و فقه دارند. هر دو درباره آیات و احکام قرآنی، نظرات منحصر به فرد دارند.

شاگردان این دو بزرگوار ستودنی هستند. در رأس آن‌ها شهید بزرگوار مطهری است. حضرت امام (ره) در مورد ایشان فرمودند آثار قلم و زبان ایشان بی استثنا برای عارف و عامی سودمند است. علامه طباطبایی با آن حیا و دقت در گفتارشان فرمودند: عبارت خوبی نیست ولی ایشان وقتی به درس من می‌آمدند به رقص می‌آمد. شهید آیت الله بهشتی هم چنین به اعتقاد ما شاگرد بزرگ دیگری از مکتب امام (ره) و علامه (ره) را می‌توانیم حضرت امام خامنه‌ای (دام‌الله) معرفی کنیم.

ایشان علاوه بر بروزات سیاسی و اجتماعی؛ فلسفه و تفقه شان هم به شدت متأثر از علامه و امام است و بسیار هم قوی است. مستندات کتاب طرح کلی نظام اندیشه اسلامی ایشان را می‌توانیم از تفسیر

شریف المیزان و از کتب شهید مطهری و آثار حضرت امام مثل چهل حدیث و شرح دعای سحر و رساله «مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه» ببینیم.

شما نگاه کنید مثال حضرت آقا در سال ۸۹ که به قم مشرف شدند برای پویایی حوزه علمیه چه بود؟ ایشان به آن دسته از افکار اصولی حضرت امام (ره) مثال زدند که ساختارهای علم اصول را تغییر می‌دهد و آن بحث خطابات قانونی ایشان است. این نکته، نشان از اشراف عمیق ایشان بر مبانی اصولی حضرت امام است.

ما معتقدیم که امامین انقلاب از جهت علمی مظلوم واقع شده‌اند و افکار فقهی و فلسفی ایشان به خوبی منتشر نشده است. اعتقاد ما این است که حتی فقه حکومتی این مجموعه، با فقه حکومتی ارائه شده توسط بزرگان مثل شهید آیت الله صدر (ره) و بعضی از عزیزان حوزه نجف متفاوت است. این، فقه‌الخمینی است.

ان شاء الله بتوانیم با پشتوانه دعای شاگردان شهید این مکتب و بهره‌گیری از شاگردان حاضر، این راه را ادامه بدهیم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

تصاویر



(عليه السلام)

مدرسة فقهي
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني

تاسيس: شعبان المعظم ١٤٣٩

فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني



فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني

فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني

فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني
فقيه
ميرزا حسين
الموسوي
الخميني